

آمیولاتس

خودزنی



پوریا عالمی

• وزیر ارشاد داشت بهسادگی از کنار من به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی عبور می‌کرد که اهی کشید و گفت: «روزگار ما زامنه‌ای است که بهسادگی از کنار سرمایه‌های اجتماعی عبور می‌کنیم»

ترمز آمیولاتس را گرفتیم و گفتیم: کجای کاری؟ از کنار سرمایه که هیچی، از روی سرمایه‌های اجتماعی هم رد شدند و آب از آب تکان نخورد.

در همین لحظه یک غلتک شصت‌وچندهزارتنی جاده‌صاف‌کن از روی آمیولاتس رد و اتاق آمیولاتس و دهان من را توامان صاف کرد. کلام را که تبدیل به لوشک شده بود از زیر غلتک آوردم بیرون و گفتم: دیدی وزیر ارشاد؟ دیدی؟ دیدی بهسادگی از کنار و رو و بالادی سرمایه‌های اجتماعی عبور کردند؟ دیدی یا نه؟

وزیر ارشاد عینکش را گذاشت بالاتر و گفت: نه، چی را دیدم؟ کی کی را زیر کرد؟ من که چیزی ندیدم.

گفتم: ببین وزیرجان، من الان دقیقاً این زیرم‌ها، این غلتک عزیز زده، رفته، ببخشید عبور کرده و تازه هنوز هم روی کلام است. باید خسارت بدهد. شما به عنوان شاهد از من حمایت کن.

وزیر ارشاد گفت: چیه؟ چیزی شده؟ چرا سکتی؟ [...]

گفتم: الان شما به‌عنوان وزیر از من هیچی، از فیلم قصه‌های خاتم رخشان بنی‌اعتماد یا اشغال‌های دوست‌داشتنی یا من عصبانی نیستم، نباید حمایت می‌کردید؟ ۳۳- مجوز دارند، بعد می‌گویید اصلاً این فیلم‌ها از کجا آمده‌اند؟ از اینترنت دانلود کردند، خوب شد؟ وزیر ارشاد گفت: چی؟

گفتم: ما را باش روی دیوار کی یادگاری نوشتیم.

در همین لحظه چند نفر از کنار گود فریاد زدند: عجب آدم بی‌جنبه‌ای هستی تو آمیولاتس‌چی. قدر جنتی را نمی‌دانی. الان وقتش است از دولت انتقاد کرد؟ الان وقتش است از ارشاد گله کرد؟ مگر نمی‌بینی؟ دولت صدتا منتقد دارد، [...] مگر نمی‌بینی ما بعد از هشت‌سال به‌هرحال یک کاری پیدا کردیم و سرمان به این بولتن یا آن روابط‌عمومی یا برگزاری آن مسابقه یا کلاس داستان‌نویسی گرم شده است؟ نکنی این کارها را. زنی این حرف‌ها را فهمیدی یا نه؟ [...] با توام‌ها، دوباره نگویی پروانه خبرنگاری فلان‌ها. [...]

گفتم: بله. و می‌خواستم از دست وزیر بروم در افاق گم شوم که دیدم بهتر است زیر غلتک بمانم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۳ • ۲۱ ذی‌القعدة ۱۴۳۵ • ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۱۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۵۹:۱۲ • اذان مغرب ۲۷:۱۹ • اذان صبح فردا ۲۵:۵ • طلوع آفتاب ۴۹:۶

روزنامه‌ها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی جهانشاهی

رکود بازار مسکن



در همین حوالی

اعطای جایزه «نغمه» به روزنامه‌نگار پیشکسوت

در اهمیت فریدون صدیقی بودن



پژمان موسوی



متمایز ساخته و هم‌کلامی با او را به یکی از لذت‌بخش‌ترین کارهای دنیا بدل کرده است؛ کافی است با او یک چای بنوشید و با او هم‌کلام شوید، امکان ندارد حس رضایتی عمیق، بعد از این هم‌کلامی، سراسر وجودتان را فراگیرد؛ حال خود حساب کنید کلاس‌های درس این استاد یگانه را و حال خوب شاگرد او بودن را. فریدون صدیقی تمام نمی‌شود، او همیشه و در هر روز، متفاوت با روز قبل از آن است، او همیشه یک آس برای روکردن دارد و امکان ندارد در کار حرفه‌ای، از او یک کار تکراری ببینید یا توصیه‌ای گفته‌شده، بشنوید. این را حتماً هیات انتخاب روزنامه‌نگار خوش‌آینه آن سال‌های دور هم می‌دانستند که ۴۰ سال پیش، جایزه ویژه روزنامه‌نگار خوش‌آینه سال‌های بعد را به او اعطا کردند. او می‌داند روزنامه‌نگاری چیست و مهم‌تر از آن این را هم می‌داند که روزنامه‌نگاری چه، نیست. مخاطب را خوب می‌شناسد و از نیازهایش آگاه است؛ اهل تعارف و ثنای بیهوده نیست اما ارزش کار خوب را خوب می‌داند و با تمام توان پشت کار خوب می‌ایستد. فریدون صدیقی یک راه است... همین.

نویشته‌اش، خواندنی‌ترین یادداشت ممکن شود. او شاعرترین روزنامه‌نگار عصر ماست؛ امکان ندارد که یادداشتی را از او بخوانید و در آن چند شعر ناب نیابید؛ شعرهایی که درست مانند خود او، جاری هستند در متن یادداشت و تلطیف‌کننده فضای نوشته‌هایش. همه اینها به کنار؛ فریدون صدیقی از جمله معدود روزنامه‌نگارانی است که جز حرف‌اش روزنامه‌نگاری که آن را خوب بلد است، هم سینما را خوب می‌فهمد، هم ادبیات را و هم بازی‌های زبانی را. همه اینها هم هست که او را از هم‌عصرانش

گزارش فردا

«سفید بالک»‌ها؛ دشمنان ویرانگر پارک‌های تهران

در این زمینه شهرداری تهران تنها به یک واکنش کوتاه بسنده کرده تا نشان دهد موضوع چندان هم مهم نیست. «مختاری» از سازمان پارک‌های شهرداری تهران گفته که برای مقابله با این حشره برنامه‌ای وجود دارد و مراحلش در حال انجام است، این در حالی است که به نظر می‌رسد، تهران با ورود سفید بالک‌ها با یک هجوم بی‌سابقه و خطرناک روبه‌رو شده و آن نگرانی از مرگ گیاهانی است که در شهر تهران با وجود بحران آب شدید، در حال آبیاری هستند چرا که به گفته رجایی، «سفید بالک اگر میزان مناسبی در پارک‌های شهر پیدا کند، می‌تواند در کمتر از یک سال، همه را خشک و نابود کند»، البته این استاد دانشگاه گمانه‌زنی‌ها درباره تأثیر دریاچه چیتگر روی افزایش حشرات در پایتخت را هم رد نمی‌کند و می‌گوید: «طبیعتاً آب مانده در یک مکان، بهترین بستر تکثیر حشرات است و عجیب نیست که پس از افتتاح دریاچه چیتگر شاهد افزایش پشه در شمال شهر بوده‌ایم» او اصلی‌ترین دلیل هجوم سفید بالک به تهران را استفاده بی‌رویه از سموم کشاورزی در حاشیه پایتخت می‌داند و البته بحران خشکسالی، که هر دو دست به دست هم داده‌اند تا خیابان‌های تهران در تسخیر این موجودات بسیار کوچک اما خطرناک باشند.

درباره آفت جدیدی باشد که به صورت میلیونی به سمت تهران هجوم آورده اما تا به حال هیچ ارگانی به صورت رسمی در قبال آن پاسخگو نبوده است. دکتر رجایی اول خیال مردم را راحت می‌کند که این آفت، برای سلامت شهروندان تهرانی به صورت مستقیم، خطری به حساب نمی‌آید اما در کنار هر خبر خوب یک خبر بد هم هست و آن اینکه «سفید بالک» هدف اصلی‌اش، گیاهان است و می‌تواند تا نابودی کل آنها پیش برود: «سفید بالک در دوران لاروی مادامی ترشح می‌کند که مثل عسل چسبنده است و وقتی روی برگ گیاه ترشح می‌شود، بستر مناسبی را برای رشد قارچ‌های سیاه رنگی پدید می‌آورد که به مرور مانع از فتوسنتز و عامل مرگ آن گیاه خواهند شد.» اگرچه این حشره بهترین طعمه‌اش در مزارع صیفی‌جات است اما این حشره‌شناس بعید نمی‌داند که در صورت هجوم گسترده به تهران کم‌کم شاهد سفیدبالک در پارک‌های تهران و فضای سبز شهر نیز باشیم؛ «این حشره یک میلی‌متری، ویروس گیاهی منتقل می‌کند که برای انسان خطرناک نیست اما می‌تواند جان گیاهان را بگیرد. دقت کنیم وقتی یک آفت زیاد شود احتمال نشستن آن روی گیاهان دیگر هم هست و اگر روزی روی درختان برگ پهن شهری بنشینند، می‌تواند آنها را از بین ببرد»

سعید برآبادی، یکی، دو دقیقه ساکن بایستید، همان جایی که قرار است سوار تاکسی شوید، همان جایی که قرار است وترین مغازه‌ای را ببینید، پشت چراغ قرمز. حشره‌های ریز سفیدی بر صورتان می‌نشینند، بر دستتان، حتی پشت شیشه عینکتان هم می‌رود. در همین یکی، دو ماه که از آغاز هجوم‌شان گذشته برخی هم به آنها می‌گویند مگس سفید، اما نام علمی و درشتش «سفیدبالک» است. گرما و یکی، دو چالش محیط‌زیستی مهم دیگر حالا یک سوغاتی جدید برای تهران آورده که ممکن است تمامی پارک‌ها و فضای سبز شهر را ظرف مدت یک سال خشک کرده و از بین ببرد. این روزها هوای شهر پر شده از وزوز حشراتی کوچک که شاید قطرشان از یک میلی‌متر هم کمتر باشد و نه صدایشان را کسی بشنود و نه تصویرشان واضح باشد اما کافی است چند دقیقه‌ای در خیابان بایستی تا بنشینند روی پوستت. گزارش‌های پیشین، نام این حشره را «مگس سفید» عنوان کرده بودند در حالی که نام علمی آن، «سفید بالک» است و از راسته «همونیرا»، اینها اطلاعات اولیه دکتر «حسین رجایی» است که در اختیار «شرق»، قرار داده است. اتفاقاً او که پس از سال‌ها، تازه چند روزی است به ایران بازگشته، تز دکترایش را در مورد همین حشره ارائه کرده و شاید یکی از متخصصان

یک اشاره، دنایای قابلیت

زمان آن رسیده که دیدگاه خود را
نسبت به ماشین لباسشویی تغییر دهید